



نامه‌نگاری درباره حقوق زنان

ایگیل و جان آدامز



نامه نگاری درباره حقوق زنان

ایگیل و جان آدامز



توانا

TAVANA

آموزشکده آنلاین
برای جامعه مدنی ایران

e-collaborative

for civic education



آموزش‌شکده آنالاین
برای جامعه مدنی ایران

<http://www.tavaana.org>

پروژه

e-collaborative
for civic education

<http://www.eciviced.org>

نامه‌نگاری درباره حقوق زنان

Correspondence on Women's Rights

ناشر: E-Collaborative for Civic Education

نویسندگان: ابیگیل و جان آدامز (Abigail and John Adams)

نقاشی روی جلد: ابیگیل و جان آدامز از گیلبرت استوارت (Gilbert Stuart)

ترجمه: آموزش‌شکده توانا (آموزش‌شکده الکترونیکی برای جامعه مدنی ایران)

Albeur Atri 

نامه‌نگاری درباره حقوق زنان

هرچند کلمه «مرد» در اعلامیه استقلال به مفهومی عام و کلی به کار رفته است که از آن مردم از هر جنسیتی اراده می‌شود، در سال ۱۷۷۶ هیچ جامعه‌ای در جهان زنان را موجودات خودمختار و صاحب حقوق سیاسی تلقی نمی‌کرد. خانواده واحد پایه اجتماع بود و سرپرست مذکر خانواده منافع و مصلحت‌های زنان و کودکان وابسته را حفظ می‌کرد. ابیگیل آدامز (۱۷۴۴ - ۱۸۱۸) در خانه‌اش در ماساچوست به انتظار خبر اعلام «استقلال» از سوی کنگره قاره‌ای بود ولی شوهرش جان (۱۷۳۵ - ۱۸۲۶) را به ملایمت عتاب می‌کرد که «زنان را به یاد داشته باش» مبدا برای خودشان «شورشی در سر پیروانند» و دیگر خود را «ملتزم به هیچ قانونی که در آن حرفی برای گفتن نداشته باشند» ندانند. البته ابیگیل به مفهوم مدرن کلمه زنی فمینیست نبود؛ او این نگاه سنتی به زن را پذیرفته بود که زنان «بنا به مشیت الهی» تحت «قیومیت» مردان قرار داده شده‌اند اما استقلال شورمندان او به زمانی اشاره داشت که جان در پاسخ‌اش گفته بود که در آن «قبیله‌ای که از همه دیگران پرشمارتر و قوی‌تر» است واقعا «ناراضی» خواهد شد و با کامیابی خواهان شنیده شدن صدای‌اش خواهد شد.

نامه ایگیل به جان، ۳۱ مارس ۱۷۷۶

مشتاق‌ام خبرش را بشنوم که اعلام استقلال کرده‌اید و در ضمن بر حسب مقررات جدید قانونی، که گمان می‌کنم لازم باشد وضع کنید، مایل‌ام زنان را به یاد داشته باشی و در قبال آن‌ها سخاوت و توجه بیش‌تری نسبت به نیاکان‌ات داشته باشی. این قدرت نامحدود را در دست شوهران مگذار!

به خاطر داشته باش که همه مردان اگر می‌توانستند، موجوداتی ستمکار و خودکامه می‌شدند. اگر دقت و توجه خاص به زنان نشود، عزم‌مان جزم است که شورش به پا کنیم و خود را ملتزم به قوانینی، که در آن صدا یا نماینده‌ای نداریم، نخواهیم دانست. این که جنس شما بالطبع ستمکاره و مستبد است حقیقتی چنان جاافتاده است که پذیرفتن آن حاجتی به نزاع ندارد ولی شما خوش می‌دارید که به اشتیاق عنوان خشن ارباب را با عنوان ملایم‌تر دوست جایگزین کنید. پس چرا استفاده از ما و بهره‌کشی ظالمانه و تحقیرگرانه از ما را بدون هیچ عقوبتی از ید قدرت بدطیستان و یاغیان در برابر قانون خارج نمی‌کنید؟ مردان خردمند در هر دوره و زمانه‌ای بیزارند از استفاده از رسومی که از ما فقط به مثابه رعیت فرمان‌بردار جنس شما بهره می‌برند. پس با ما به عنوان موجوداتی رفتار کنید که مشیت الهی تحت قیمومیت شما قرار داده است؛ به تقلید از آن موجود متعالی تا از آن قدرت فقط برای رضایت و شادی ما استفاده کنید. دوست همیشه وفادارت.

تمثال ایگیل آدامز، بر اساس پرتره‌ای از س. شِست، و جان آدامز بر اساس یک نقاشی از گیلبرت استیوارت، تصویر این زن و شوهر را نشان می‌دهد که مکاتبات‌شان بازتاب تمام مسائل داغ آمریکای انقلابی بود.

جان به ایگیل، ۱۴ آوریل ۱۷۷۶

... در خصوص آن مقررات جدید قانونی خارق‌العاده‌ات، فقط خنده‌ام می‌آید. به ما گفته‌اند که مبارزه ما بند و زنجیرهای دولت را در همه جا سست کرده

است، کودکان و شاگردان نافرمانی کرده‌اند، مدرسه‌ها و کالج‌ها ناآرام شده‌اند، سرخ‌پوستان قیم‌هاشان را تحقیر کرده‌اند و کاکاسیاه‌ها در برابر اربابان‌شان گستاخی کرده‌اند. ولی نامه تو اولین نشانه است از این که قبیله دیگری پرشمارتر و قوی‌تر از همه این‌ها، ناراضی شده است. این تعارف و تعریف خیلی درشت است ولی خیلی پررو هستی. این‌ها را پنهان نمی‌کنم.

به این اعتماد کن! ما هشیارتر از این هستیم که نظام‌های مردانه‌مان را ملغی کنیم. هرچند این‌ها به قوت در اجرا هستند ولی می‌دانیم که این‌ها مشتی نظریه بیش نیستند. ما جرئت‌اش را نداریم که قدرت‌مان را در کامل‌ترین شکل‌اش اعمال کنیم. ما ناگزیریم که منصفانه رفتار کنیم و نرم‌خو باشیم و می‌دانی که در عمل این ما هستیم که رعیت‌ایم.

ما تنها به اسم ارباب‌ایم و به جای این که از همین هم دست بکشیم که ما را یکسره زیر یوغ استبداد شلیته ببرد، امیدوارم که ژنرال واشینگتن و همه قهرمانان شجاع ما سنگر را حفظ کنند. مطمئن‌ام که هر سیاست‌مدار خوبی تا جایی که بتواند در برابر استبداد نقشه خواهد کشید.

امپراتوری، پادشاهی، آریستوکراسی، لیگارش‌ی یا اوباش‌سالاری - واقعا قصه خوبی است. یواش‌یواش فکر می‌کنم که وزارت سخت‌شیر است. پس از تحریک محافظه‌کاران، ملاکان، سلمانی‌ها، متعصبان، کانادایی‌ها، سرخ‌پوستان، کاکاسیاه‌ها، هانوفری‌ها، هسه‌ای‌ها، روس‌ها، کاتولیک‌های رمی ایرلندی و مرتدان اسکاتلندی، بالاخره خانم‌ها را برانگیخته‌اند که امتیازات تازه‌ای را طلب کنند و تهدید به شورش کنند.

